

عوامل مؤثر بر فرار مغزها با تاکید بر عوامل دافعه از مبدأ (نظریه اورت لی) مطالعه موردی شهرکنندز

Push Factors Contributing to Brain Drain with Emphasis on Origin-Based Determinants (Everett Lee's Theory)

مومن نوری^۱، زبیدالله سیرت^۲، محمد نبی رفیع^۳

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n42.2025

چکیده

سرمایه انسانی از معنادارترین منابع است که در معادله توسعه و انکشاف کشورها نقش فزاینده و مؤثر دارد؛ ولی متأسفانه کشورهای در حال توسعه و عقب مانده با درآمد و امکانات ناچیزی که دارند به سرمایه گذاری روی این منابع پرداخته به امید اینکه این مغزها در فرایند توسعه مورد استفاده قرار گیرند، اما در نتیجه عوامل و شرایط نامطلوب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی در مبدأ تصمیم به مهاجرت می گیرند. هدف این تحقیق شناسایی و تحلیل عوامل دافعه مؤثر بر فرار مغزها از شهر کنندز بر پایه نظریه مهاجرت اورت لی^۴ است. پژوهش با تمرکز بر شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی در مبدأ، تلاش می کند دلایل خروج نیروی انسانی متخصص را تبیین نماید. روش تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با روش آماری می باشد. سوال اصلی این تحقیق اینست که عوامل مؤثر بر فرار مغزها از کنندز با در نظر داشت نظریه اورت لی کدام ها اند؟ فرضیه های این تحقیق تمامی عوامل دافعه از مبدأ نظریه مهاجرتی اورت لی و دیگر عوامل که از نظر محقق در ساحه مهم پنداشته شده که در کل هفده عوامل می باشند.

جامعه آمار این تحقیق (۱۵۵۹۶۴) تن افراد که در هشت ناحیه کنندز زندگی می نمایند و با استفاده از جدول مورگان بطرز آنالین ۳۸۲ نمونه یا سیمپل تشخیص و با استفاده از نمونه گیری طبقه ای نسبتی^۵ نمونه ها انتخاب بعد

^۱ عضو کادر علمی دیپارتمنت اداره تجارت پوهنچی اقتصاد، پوهنتون سلام-کنندز، افغانستان، 0785920402، ab.momen55@gamil.com

^۲ عضو کادر علمی دیپارتمنت اداره تجارت پوهنچی اقتصاد، پوهنتون سلام-کنندز، افغانستان، 0744470034، zubaidullah.seerat1370@gmail.com

^۳ عضو کادر علمی دیپارتمنت اداره تجارت پوهنچی اقتصاد، پوهنتون سلام-کنندز، افغانستان، 0747440976، Nabi.rafi555@gamil.com

^۴ (Everett Lee)

^۵ Proportional Stratified Sampling

با استفاده از پرسشنامه لکرت^۶ پرسشنامه‌ها توزیع و داده‌ها جمع‌آوری گردیده‌اند. بعد داده‌های متذکره با استفاده از برنامه اس‌پی‌اس‌اس (SPSS)^۷ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و ضریب الفای کورنباخ آن (0.865) به دست آمد. بدین اساس می‌توان گفت که پرسشنامه این تحقیق از پایایی^۸ لازم برخوردار است.

نتایج این تحقیق با استفاده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن^۹ نشان می‌دهد که از هفده عامل فرض شده مؤثر بر فرار مغزها از کندز، عوامل اقتصادی مانند: بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی (با رتبه 11.39)، اوضاع سیاسی (با رتبه 11.09)، و کمبود فرصت‌های اقتصادی (با رتبه 10.93) بیشترین تأثیر را بر فرار مغزها داشته است. در درجه دوم عوامل چون: اوضاع سیاسی (با رتبه 9.58)، سطح پایین حقوق و دستمزد (با رتبه 9.52)، نبود آزادی‌های سیاسی (با رتبه 9.44)، محدودیت‌های اجتماعی (با رتبه 9.20)، نبود فرصت‌های توسعه شخصی (با رتبه 9.11) و در اخیر هم عوامل چون، کاهش رفاه اجتماعی (با رتبه 8.38)، میل به آزادی‌های بیشتر (با رتبه 8.18)، وجود شبکه‌های اجتماعی میان اقارب نخبگان (با رتبه 5.97) و نبود امکانات صحتی و بهداشتی (با رتبه 5.92) از لحاظ اهمیت و رتبه، بر فرار مغزها مؤثر بوده‌اند.

واژگان کلیدی: فرار مغزها، عوامل دافعه از مبدأ، نظریه اورت لی، شهر کندز.

مقدمه

فرار مغزها از افغانستان، نه صرفاً مهاجرت نیروی انسانی، بلکه مهاجرت امید، دانش و آینده‌ای است که می‌توانست موتور محرک توسعه ملی باشد؛ پدیده‌ای که طی سال‌های مدید، با خاموشی تدریجی چراغ‌های فکری، کشور را با خلأ مزمن در ظرفیت‌سازی مواجه ساخته است. مطالعات متعدد نیز مؤید این واقعیت است که جوامعی توسعه می‌یابند که علاوه بر منابع و ذخایز طبیعی و سرمایه‌های مادی و فیزیکی، از منابع انسانی قابل توجهی برخوردار باشند؛ در واقع در این سال‌ها کشورهای به رشد بیشتر اقتصادی نائل آمده‌اند، که نیروی کار تحصیل کرده، ماهر، با کفایت و در یک کلام از «سرمایه انسانی» کافی و مناسب بهره‌مند بوده‌اند؛ زیرا اولین و مهمترین مولفه توسعه در هر کشور انسان است. نیروی انسانی، سهم عمده‌ای در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دارد. اما شاید به دلایل مختلف، نگه داشتن این نخبه‌ها در کشور مبدأ کار سهل نبوده و با قبول مشکلات گسترده و متنوع تلاش می‌نمایند به مناطق و کشورهای برون که بستر و فضای مناسب تر جهت استفاده از استعدادهای شان فراهم باشد.

منظور و مقصود از فرار مغزها، مهاجرت افراد متخصص است. به این معنا که افراد با تخصص فنی و حرفه‌ای مورد نیاز کشور خود، ولی به دلایل مختلف، مهاجرت دائمی به کشور دیگر را ترجیح می‌دهند (عبدی، ۱۳۸۹: ۲۵۴). آدیمی و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۸: ۶۶) واژه فرار مغزها را اینگونه تعریف میکنند: «پرواز نیروهای متخصص، دانشمند، مدیر و نیروی اجرایی از کشورهای کمتر توسعه یافته به کشورهای توسعه یافته».

پس فرار مغزها یا مهاجرت اهل تخصص، به فرایندی گفته می‌شود که در آن متخصصان و نخبگان یک کشور به دلایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی، کمبود امکانات پژوهشی، رفاهی و ناتوانی جامعه در استفاده از تخصص و توان اطلاعاتی آنها، برای کسب تجربه، پیشرفت‌های علمی، حقوق‌های بالا، منزلت، رفاه اجتماعی، آزادی فکری بیشتر و دسترسی به

^۶ Likert Scale

^۷ Statistical Package for the Social Sciences

^۸ Reliability

^۹ Friedman Rank Test

^{۱۰} Adeyemi and etal.

منابع علمی جدیدتر به سوی جوامع مهاجرت می‌کنند که از نظر آنها از شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی بهتری برخوردار باشند و بتوانند تخصص و توان علمی خود را در جامعه برای پیشرفت به کار گیرند. (ضیایی، ۱۳۹۶)

در افغانستان نیز به دلیل تحولات سیاسی و نبود ثبات اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و غیره هرچند با مرور بر تحقیقات انجام شده این مفهوم به گونه درک می‌شود که عامل اقتصادی بیشترین نقش را در فرار نخبه‌ها از کشور داشته است. البته اگر به مرور تاریخچه چهار و پنج دهه گذشته این مسأله پرداخته شود، می‌توان فرار مغزها در افغانستان را در چهار دوره تاریخی حداقل تقسیم کرد: ۱. دوران کمونیستها ۲. مجاهدین ۳. دوران اول امارت اسلامی ۴. دوران جمهوریت. تحقیقات نشان می‌دهد موج اول مهاجرت افغانها که شامل نخبگان علمی نیز می‌شود از سال ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۸ بوده که دقیقاً بعد از ترور داود خان توسط حزب دموکراتیک خلق آغاز شد و این روند زمانی به اوج خود رسید که حزب چپ با ترور و سرکوب مخالفین سیاسی‌اش توسط اصلاحات سوسیالیستی و سیکولاریستی اقدام نمود. دور دوم فرار مغزها از سال ۱۳۶۸ آغاز الی ۱۳۷۵ دوام نمود، دقیقاً بعد از به قدرت رسیدن مجاهدین و شکست حکومت چپ بود. بعد از اینکه مجاهدین بر سر قدرت به توافق نرسیدند و جنگ‌های داخلی آغاز گردید، تعدادی از نخبه گان که از وضعیت ناخوش بودند، راه مهاجرت در پیش گرفتند. دور سوم فرار مغزها با رسیدن بار نخست امارت اسلامی بر مسند قدرت آغاز گردید، که به دلیل فقر و بیکاری گسترده، بسته شدن مکاتب دخترانه، سختگیری‌ها در تعامل با مردم و غیره، تشدید گردید. دور چهارم بعد از سقوط نظام جمهوریت در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ آغاز شد. این وضعیت سبب شد تا تعداد بیشتری از متخصصین و نخبگان، کشور را توسط پروسه تخلیه نیروهای مهاجم (شرکای آن و راه‌های دیگر) ترک بگویند (کیهانی، ۲۰۲۰: ۹-۱۰). افغانستان برای رهایی از چرخه معیوب فقر، بیکاری و توسعه‌نیافتگی، نیازمند تحول بنیادین در تمامی ابعاد، به‌ویژه در عرصه اقتصادی است. این امر تنها زمانی ممکن است که عوامل مؤثر بر «فرار مغزها» شناسایی و اقدامات مؤثری برای جلوگیری از مهاجرت نخبگان صورت گیرد. حفظ و بهره‌برداری از ظرفیت‌های علمی، تخصصی و مدیریتی این نخبگان در فرآیندهای توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی کشور، می‌تواند به‌عنوان یک سرمایه ارزشمند در مسیر پیشرفت و آبادانی افغانستان عمل کند. بدین اساس، مسأله ما در این تحقیق اینست تا دریابیم کدام عوامل بیشتر در فرار مغزها بعد از سقوط جمهوریت، در ولایت کندز مؤثر بوده است.

هدف کلی تحقیق:

شناسایی و تحلیل عوامل دافعه مؤثر بر فرار مغزها از شهر کندز بر اساس نظریه اورت لی، مخصوصاً بعد از سقوط جمهوریت در ۱۵ آگست ۲۰۲۱

سؤال تحقیق

چه عواملی به‌عنوان عوامل دافعه در شهر کندز بر فرار مغزها مؤثر هستند و چگونه این عوامل مطابق با نظریه اورت لی بر تصمیم نخبگان به مهاجرت تأثیر می‌گذارند؟

فرضیه تحقیق:

فرض ما در این تحقیق بر اینست، عوامل مؤثری چون نبود فرصت‌های اقتصادی و سرمایه گذاری، بیکاری و نبود فرصت‌های کاری، سطح پایین حقوق / دستمزد، نبود فرصت‌های توسعه شخصی، بی‌ثباتی اقتصادی در کشور، تحولات سیاسی در کشور، سلب آزادی‌های مدنی، نبود امکانات صحتی و بهداشتی، کاهش رفاه اجتماعی نخبگان، تبعیض‌ها و محدودیت‌های اجتماعی هستند که سبب فرار مغزها از کندز گردیده اند.

در بخش بعدی به مبانی نظری و مطالعات که در زمینه انجام شده است پرداخته خواهد شد تا با ارائه مدل، داده‌های جمع‌آوری شده از طریق SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و یافته‌های این تحقیق مورد جمع‌بندی و نتیجه‌گیری قرار گیرند.

مبانی نظری

فرار مغزها به مهاجرت گسترده‌ی افراد تحصیل‌کرده و متخصص از یک کشور به کشورهای دیگر گفته می‌شود. این پدیده معمولاً به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی، امنیت شغلی، ثبات سیاسی و اجتماعی در کشور مبدأ رخ می‌دهد. اصطلاح «فرار مغزها» که به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم رواج یافت، بازتاب‌دهنده‌ی خارج‌شدن سرمایه‌های انسانی (دانش و مهارت) از کشور مبدأ و پیامدهای منفی آن برای توسعه‌ی ملی است. به‌طور کلی، فرار مغزها به‌عنوان یکی از موانع اصلی توسعه‌نیافتگی کشورهای در حال توسعه شناخته شده است، زیرا کشور مبدأ منابع کلیدی نیروی انسانی متخصص را از دست می‌دهد (پیرزاده و زینه، ۲۰۲۵). در ذیل می‌خواهیم تا به مرور نظریه‌ی اورت لی که به مسأله مهاجرت و فرار مغزها مرتبط است، پرداخته تا از خلال آن بتوانیم مهمترین عوامل را شناسایی و مدل نظری تحقیق را ارائه نماییم.

اندیشمند برجسته کلاسیک این حوزه اورت لی (۱۹۶۶)^{۱۱} نظریه جاذبه و دافعه مهاجرت^{۱۲} را ارائه کرد؛ در مدل نظری اورت لی، چهار دسته عوامل در تبیین زمینه‌ها و انگیزه‌های مهاجرت نقش اساسی را ایفا می‌کنند که عبارت‌اند از: دافعه‌های موجود در کشور یا جامعه مبدأ، جاذبه‌های موجود در کشور یا جامعه مقصد، موانع بازدارنده، دلایل شخصی (لی، ۱۹۹۶). به نقل از شیرخانی و بایزیدی (۱۳۹۷). براساس نظریات نظریه لی برخی عوامل از قبیل بیکاری، نبود فرصت‌ها، شرایط نامناسب، بیابان‌زایی، قحطی، خشکسالی، تعقیب سیاسی، بردگی یا کار اجباری، مراقبت بهداشتی ضعیف، کاهش سطح رفاه، بلایای طبیعی، تهدیدات جانی، میل به آزادی‌های بیشتر سیاسی و دینی، آلودگی، مسکن نامناسب، ذهنیت، تبعیض، شرایط نامناسب برای ازدواج و جنگ در شمار عوامل دافعه قرار می‌گیرند. در مقابل عواملی از قبیل فرصت‌های شغلی، شرایط مناسب زندگی، آزادی‌های بیشتر سیاسی و دینی، لذت‌جویی، آموزش، خدمات بهداشتی مناسب، اقلیم‌های خوش آب و هوا، امنیت، ارتباطات خانوادگی، صنعت و شرایط بهتر برای تشکیل خانواده، در شمار عوامل جاذبه قرار می‌گیرند (لی، ۱۹۶۶). در کنار عوامل فوق برخی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده نیز عبارت‌اند از: فرایند سخت خروج از کشور، فرایند سخت دریافت پذیرش از مقصد، عدم آشنایی با فرهنگ کشور مقصد، دوری بیش از حد مقصد از کشور مبدأ و دلایل شخصی نیز می‌تواند شامل موارد زیر باشد: ضرورت‌های خانوادگی، عدم علاقه به ترک کشور مبدأ (بایزیدی و عسکرخانی، ۱۳۹۷). لاوری و راجز^{۱۳} نیز نظریه جذب و دفع را مورد آزمایش قرار دادند و به ملحوظ داشتن شرایط اقتصادی و اجتماعی مبدأ و مقصد دریافتند که مهاجرت از مکان مبدأ به مکان مقصد رابطه مستقیم با سطح بیکاری در مکان‌های مبدأ و مقصد دارد (معینی و دیگران، ۱۳۹۴)؛ برخی دیگر از نظریات از قبیل «چرخه‌های اقلیمی»^{۱۴} بر دلایل اقلیمی به عنوان ریشه‌های مهاجرت تأکید داشت.

در ذیل در تلاش هستیم تا بعد از مطالعه پیشینه تحقیق در این زمینه مدلی کارآمد از سطوح عوامل فرار مغزها با تأکید بر عوامل دافعه نظریه اورت لی ارائه نماییم.

پیشینه تحقیق

مطالعات و تحقیقات زیادی در زمینه عوامل فرار و مهاجرت مغزها مخصوصاً بیرون از کشور تا داخل کشور صورت گرفته است. که هر محقق از زاویه‌ای خاص به موضوع پرداخته‌اند. در اینجا به چند نمونه که نزدیکی بیشتر به این تحقیق دارد پرداخته می‌شود.

^{۱۱} Lee, E. S. (1966), "A Theory of Migration"

^{۱۲} Pull-Push Theory of Migration

^{۱۳} Lawry and Rogers

^{۱۴} Climate cycles

در یکی از جدیدترین مطالعات کیهانی (۲۰۲۰) به بررسی عوامل و پیامدهای فرار مغزها از افغانستان پرداخته و بدین نتیجه رسیده است که عامل عمده فرار مغزها از کشور بیشتر بی ثباتی سیاسی و امنیتی در ۴۰ سال گذشته بوده است، که وضعیت شکننده و ناامید کننده را برای نسل جوان و تحصیل کرده به وجود آورده و سبب فرار و مهاجرت بیشترین نخبگان گردیده است. همچنان تأکید دارند در صورتی که نظام حاکم بتواند اعتماد مردم را از طریق پروسه انتخابات جذب، استفاده نمودن از متخصصین در سطوح رهبری، مبارزه با فساد و مبارزه با بحران اقتصادی و فقر صورت گیرد، زمینه برگشت نخبگان به کشور تا حدودی قابل تصور خواهد بود.

در مقاله‌ای که توسط مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان تحت عنوان «نگاهی به بحران فرار مغزها از افغانستان و پیامدهای آن» (۱۴۰۱) به رشته تحریر درآمده است، به این نتیجه رسیده است که علل اساسی فرار مغزها از کشور عبارتند از: عوامل سیاسی-امنیتی، ضعف در حکومتمداری، عوامل اقتصادی و عوامل فرهنگی می‌باشند. همچنان نوشته‌ی مذکور اذعان می‌دارد در صورت ادامه وضعیت موجود کشور از گردونه‌ای تعاملات جهانی منزوی گردیده، در راستای دسترسی به تکنالوژی نوین و فناوری و اطلاعات، در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بی‌بهره خواهد ماند. در ضمن جهت بیرون رفت از وضعیت موجود تأکید به شایسته سالاری، تخصص، تعهد و تجربه در تمام عرصه‌های کار گماری، رعایت عدالت اجتماعی، توجه به حق تعلیم و کار دختران در چارچوب قوانین اسلامی می‌نماید.

در تحقیق دیگر که توسط بلال زی (۲۰۲۲) در مورد (شناسایی عوامل محرک مؤثر در فرار مغزها در افغانستان: مطالعه پدیدارشناسی افغان‌های مقیم خارج از کشور)^{۱۵} به زبان انگلیسی نگارش یافته است، نتایج آن نشان می‌دهد که از جمله عوامل مؤثر که بیشتر سبب فرار مغزها از افغانستان شده است عبارتند از: آینده ناروشن، بیکاری، کیفیت پایین زندگی، تبعیض می‌باشد. یافته‌های یک تحقیق دیگر که توسط دشتی (۲۰۲۲) در ژورنال مطالعات آسیا تحت عنوان (حرکات مهاجرت خارجی افغان‌ها در فرآیند تاریخی)^{۱۶} نویسنده مذکور در مقاله خود به فرایند تاریخ مهاجرت افغان‌ها پرداخته است که دلایل عمده آن از خلال مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که عمده‌ترین عوامل فرار مغزها از افغانستان عبارتند از: جنگ‌ها داخلی، بحران اقتصادی و فقر می‌باشد. همچنان متذکر شده است که با کار آمدن حکومت مؤقت و انتقالی و نظام جمهوری در سال ۲۰۰۱ و بعد از آن وضعیت بگونه‌ی ثبات نیافت که سبب ماندگاری سرمایه انسانی در کشور گردد.

در قسمت مطالعات خارجی، در مقاله‌ای از ناغانی و همکاران (۱۳۹۹) تحت عنوان «شناسایی و اولویت بندی عوامل چند زمینه ای مؤثر بر روند فرار مغزها» که در ایران انجام شده است. پژوهش مذکور درصدد شناسایی عوامل مؤثر بر روند فرار مغزها در طول موج چهارم این پدیده، برای سیاستگذاری در آینده است و با استفاده از روش دلفی به عنوان ابزار آینده پژوهی به شناخت و رتبه بندی عوامل مؤثر بر آینده این روند پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد رتبه میانگین عوامل آموزشی ۳/۵۴، شغلی و معیشتی ۲/۹۸، اجتماعی ۲/۶۸، سیاسی ۲/۴۶، و عوامل اقتصادی ۲/۱۶ به ترتیب با اهمیت ترین عوامل اثرگذار بر روند فرار مغزها هستند.

شاه آبادی، کریم کشته و محمودی (۱۳۸۵) تحقیقی را با عنوان «عوامل مؤثر بر فرار مغزها از ایران به اروپا طی دوره ۱۳۵۹ - ۱۳۸۲» انجام داده اند، که نتایج تحقیق مذکور نیز بیانگر آن است که: (الف) نرخ بیکاری تأثیر مثبت و مهمی بر فرار مغزها از ایران به اروپا دارد، (ب) دستمزد نیروی کار در ایران ارتباط معکوس و معنی داری بر پدیده فرار مغزها دارد، (ج) شکاف شاخص رفاهی بین ایران و اروپا و جانشین‌های آن از جمله شکاف درآمد سرانه، شکاف تشکیل سرمایه ثابت سرانه و شکاف

¹⁵ Identifying the Driving Factors Contributing to Afghanistan's Brain Drain: A Phenomenological Study of Afghans Residing Abroad

¹⁶ Afghan External Migration Movements in the Historical Process

مخارج ملی سرانه بین ایران و اروپا تأثیر مستقیم و معنی داری بر فرار دانش آموختگان از ایران به اروپا دارد و (د) عوامل سیاسی - اجتماعی از جمله جنگ تحمیلی، حقوق سیاسی و آزادی های مدنی نیز بصورت مثبت بر پدیده فرار مغزها از ایران به اروپا مؤثر بوده اند.

در تحقیق دیگر مفتخری، جعفری، ابو نوری و نادمی (۱۴۰۰) در مورد «بررسی اثرات رفاه اجتماعی بر فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه» انجام داده اند. نتایج تحقیق مذکور که نشانگر اثرات رفاه اجتماعی بر فرار مغزها در خلال سالهای ۲۰۱۸-۲۰۲۰ م می باشد عبارتند از: وقفه اول فرار مغزها، آزادی بیان، اثری مثبت بر فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه (کشورهای مبدأ) به ایالات متحده آمریکا (کشور مقصد) داشته و رفاه اجتماعی، ثبات سیاسی، بهداشت و سلامت عمومی اثری منفی بر فرار مغزها داشته است.

یافته های تحقیق دیگر که توسط رضانی، میرسپاسی، البرزی و نوانبخش (۱۳۸۷) در ارتباط به « بررسی عوامل مؤثر بر ماندگاری نخبگان (نخبه داری) و کاهش فرار مغزها از ایران با کاربرد روش کیفی داده بنیاد» انجام شده است، نشان می دهد که مجموعه ای عوامل به صورت تعاملی منجر به بهبود وضعیت ماندگاری نخبگان شده است و یک یا چند عامل محدود و جدا از هم نمی تواند چندان تأثیر گذار باشد. همچنین شایسته سالاری با مجموعه تأثیراتی که بر سایر مقوله های مؤثر به صورت مستقیم و غیر مستقیم دارد، به عنوان متغیر اهرمی اثر گذار عمل می نماید. بدین ترتیب، هرگونه تلاشی برای بهبود وضعیت ماندگاری نخبگان، بدون توجه به این متغیر اهرمی بی فایده و یا کم اثر خواهد بود.

بعد از ارائه نظریات و مطالعات و تحقیقات انجام شده مدل نظری تحقیق قرار ذیل شکل می گیرد:



روش کار

تحقیق حاضر، از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با روش آماری می باشد. این تحقیق با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته تنظیم شده است. جامعه آمار این تحقیق (۱۵۵۹۶۴) تن افراد که در هشت ناحیه کندی زندگی می نمایند و با استفاده از جدول مورگان بطرز آنالین ۳۸۲ نمونه تشخیص و با استفاده از نمونه گیری طبقه ای نسبتی^{۱۷} نمونه ها انتخاب، بعد با استفاده از پرسشنامه لکرت^{۱۸}، پرسشنامه ها توزیع و داده ها جمع آوری گردیده است. بعد داده های متذکره با استفاده از برنامه اس پی اس اس (SPSS)^{۱۹} مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و ضریب الفای کرونباخ^{۲۰} آن (0.865) به دست آمد. بدین اساس می توان گفت که پرسشنامه این تحقیق از پایایی^{۲۱} لازم برخوردار است. البته جهت سنجش روایی پرسشنامه، پرسشنامه مذکور با چند تن اساتید مجرب علم آمار شریک ساخته شد تا نقد و دیدگاه شان را در قسمت ساختار پرسشنامه داشته باشیم، که در زمینه نظریات و پیشنهادات منطقی و اصولی شان در تهیه پرسشنامه این تحقیق مدنظر گرفته شده است. در ضمن متن کامل پرسشنامه در انتهای این مقاله ضم گردیده است. همچنان متغیرهای مستقل با استفاده از روش فریدمن^{۲۲} رتبه بندی و در نرم افزار (SPSS) مورد آزمون قرار گرفته است. قابل ذکر است که بیشتر جامعه آمار در این تحقیق جوانان محصل، فارغان مکاتب و پوهنتون ها و استادان در نهاد های تحصیلات عالی شهر کندی می باشند.

جدول شماره (۱): آلفای کرونباخ

نوع پرسشنامه	تعداد سوالات	مقدار آلفا
محقق ساخته	18	0.865

آمارهای توصیفی

در این بخش، درصد فراوانی پاسخ دهندگان بر حسب متغیرهای جمعیت شناسی مانند: جنسیت، حالت مدنی، شغل، سن، درجه تحصیل و درآمد ماهوار بیان می گردد. البته در جدول نخست آمار متغیرهای جمعیت شناسی با مقدار آمارهای از دست رفته توضیح دارد شده است.

^{۱۷} نمونه گیری طبقه ای نسبتی یکی از روش های نمونه گیری احتمالی است که در آن جامعه آماری به چند طبقه (گروه) همگن تقسیم می شود و سپس از هر طبقه، به نسبت حجم آن در جامعه نمونه انتخاب می شود.

^{۱۸} پرسشنامه لیکرت (Likert Scale Questionnaire) یکی از رایج ترین ابزارهای اندازه گیری در تحقیقات کمی است که برای سنجش نگرش، نظر، احساس یا میزان موافقت پاسخ دهندگان با یک جمله یا عبارت استفاده می شود.

^{۱۹} نرم افزار SPSS (Statistical Package for the Social Sciences) یکی از پرکاربردترین ابزارهای آماری در علوم مختلف است که برای جمع آوری، تحلیل و تفسیر داده ها به کار می رود.

^{۲۰} ضریب آلفای کرونباخ (Cronbach's Alpha) یکی از شاخص های آماری برای سنجش میزان پایایی (قابلیت اعتماد) یک ابزار اندازه گیری، مانند پرسشنامه است.

^{۲۱} پایایی (Reliability) به معنی قابلیت اعتماد یا ثبات نتایج یک ابزار اندازه گیری (مثل پرسشنامه، آزمون یا مقیاس) در طول زمان است.

^{۲۲} آزمون فریدمن (Friedman Test) یک روش آماری ناپارامتری است که برای مقایسه چند گزینه یا گروه مرتبط در شرایطی به کار می رود که داده ها رتبه ای باشند یا فرض نرمال بودن برقرار نباشد.

جنس	حالت مدنی	شغل	سن	درجه تحصیلی	درآمد ماهوار	معدت بر	N
382	367	374	355	358	190		
1	16	9	28	25	193	از دست رفته	

جدول شماره (۲) جدول فراوانی متغیرهای جمعیت شناسی با مقدار آمارهای از دست رفته²³

جدول شماره (2) نشان می‌دهد که برای برخی متغیرها مانند درآمد ماهوار، مقدار زیادی داده‌ها از دست رفته وجود دارد، تقریباً بیشتر از نصف پاسخ دهنده گان شاید به دلایل مختلف از بیان درآمد شان خود داری نموده اند. اما برای دیگر متغیرها مانند درجه تحصیلی، سن، شغل، حالت مدنی، و جنس، داده‌ها تقریباً کامل هستند و می‌توانند با اطمینان بیشتری در تحلیل‌ها استفاده شوند.

مقدار فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تراکمی	
70.9	70.9	70.8	271	مرد معتبر
100	29.1	29	111	زن
	100	99.7	382	مجموع
		0.3	1	مشخص نشده

جدول شماره (3): جدول فراوانی و فیصدی بر اساس جنسیت

جدول شماره (3) نشان می‌دهد که تعداد کل مشارکین در این تحقیق 383 نفر، که 271 مرد و 111 نفر خانم می‌باشد. که فیصدی مردان 70.8 درصد و فیصدی خانم‌ها 29 درصد بوده، که مجموع آن 99.8 درصد می‌باشد. صرف یک پاسخ دهنده از بیان جنسیت خویش خود داری نموده است، که 0.3 درصد را به خود اختصاص داده است. در کل سهم مردان نسبت به زنان در این تحقیق بیشتر است.

²³ Missing value

معتبر	مقدار فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تراکمی
متاهل	122	31.9	33.2	33.2
مجرد	245	64	66.8	100
مجموع	167	95.8	100	
بدون پاسخ	16	4.2		
جمع کل	383	100		

جدول شماره (۴): جدول فراوانی و فیصدی براساس حالت مدنی

جدول شماره (4) نشان می دهد که از مجموع 383 نفر پاسخ دهنده، که 122 متاهل و 245 نفر آن مجرد می باشند. که به ترتیب 31.9 و 64 درصد پاسخ دهنده ها را تشکیل می دهند. 16 پاسخ دهنده دیگر از بیان وضعیت مدنی خود خود داری نموده اند، که 4.2 درصد پاسخ دهندگان را شکل می دهند. بیشتر پاسخ دهندگان در وضعیت مجرد قرار دارند، چون بیشتر مخاطبان این تحقیق فارغان دوازده و محصلان، هستند.

جدول شماره (۵): جدول فراوانی و فیصدی بر اساس شغل

معتبر	مقدار فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تراکمی
دانشجو	310	80.9	82.9	82.9
معلم	11	2.9	2.9	85.8
استاد	35	9.1	9.4	95.2
پوهنتون				
کارمند	8	2.1	2.1	97.3
شغل آزاد	7	1.8	1.9	99.2
بیکار	3	.8	.8	100.0
مجموع	374	97.7	100.0	
مشخص نشده	9	2.3		
مجموع کل	383	100.0		

جدول شماره (5) نشان می دهند که از جمله 383 پاسخ دهنده، 310 نفر محصل، 11 نفر معلم، 35 استاد پوهنتون، 8 نفر کارمند، 7 نفر شغل آزاد و 3 نفر هم بیکار هستند. که به ترتیب 80.9٪، 2.9٪، 9.1٪، 2.1٪، 1.8٪ و 0.8 درصد را تشکیل می دهند.

ارقام فوق تنوع پاسخ دهندگان را نشان می‌دهد که تعداد محصلان بر دیگر پاسخ دهندگان غالب می‌باشند. چون شاید بیشتر جوانان استند که به دلایل مختلف که بعداً تحلیل آن ارایه خواهد شد دست به مهاجرت و فرار از کشور می‌زنند.

جدول شماره (۶): جدول فراوانی و فیصدی بر اساس سن

معتبر		مقدار فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تراکمی
	20-25	289	75.5	81.4	81.4
	26-30	33	8.6	9.3	90.7
	31-40	27	7.0	7.6	98.3
	41-50	5	1.3	1.4	99.7
	بالاتر از 50	1	.3	.3	100.0
	مجموع	355	92.7	100.0	
	بدون پاسخ	28	7.3		
	مجموع	28	7.3		
جمع کل		383	100.0		

جدول شماره (۶) نشانگر این مطلب است، که 289 نفر از مخاطبان داری رنج سنی 20-25 ساله، که 75.5 درصد و بیش از ثلث پاسخ دهندگان را تشکیل می‌دهند. قبلاً در قسمت پر رنگ بودن پاسخ دهندگان از این قشر شرح مختصر ارایه شد و این بخاطر بوده است که بیشتر جوانان در افغانستان به دلایل مختلف مخصوصاً معضله بیکاری و نیافتن شغل دلخوا، سرخورده شده، بعد راهی دیار بیگانه می‌شوند. سایر فیصدی‌ها به ترتیب 8.6% در محدوده سنی 26 الی 30 ساله، 7% در میان 31 الی 40 ساله، 1.3% در میان 41 الی 50 ساله و 0.3% در محدوده سنی 51 الی بالاتر قرار دارند. 7.3% که 28 پاسخ دهنده را تشکیل می‌دهد، از بیان سن خود خوداری نموده اند.

جدول شماره (۷): جدول فراوانی و فیصدی بر اساس درجه تحصیل

معتبر		مقدار فراوانی	فیصدی	فیصدی معتبر	فیصدی تراکمی
	متوسطه	8	2.1	2.2	2.2
	فارغ دوازده	171	44.6	47.8	50.0
	فارغ چهارده	27	7.0	7.5	57.5
	لیسانس	132	34.5	36.9	94.4

99.7	5.3	5.0	19	ماستر	
100.0	.3	.3	1	دکتورا	
	100.0	93.5	358	جمع کل	
		6.5	25	بدون پاسخ	
		100.0	383	جمع کل	

جدول شماره (7) بیانگر سطح سواد و تحصیل پاسخ دهندگان است. از نظر تعداد و فیصدی تعداد 8 نفر که 2.1 درصد را تشکیل می دهد دارای سطح سواد متوسط و 171 نفر که 44.6 درصد را تشکیل می دهد، که فیصدی بالا را نیز به خود اختصاص داده است، فارغان صنوف دوازده می باشند. 27 تن دیگر که 7 درصد را تشکیل می دهند، چهارده پاس استند. 132 نفر دیگر که 34.5 درصد است، دارای درجه تحصیل لیسانس بوده که دومین فیصدی را از لحاظ پاسخ دهندگان بعد از فارغان دوازده به خود اختصاص داده است. همچنان 19 نفر دیگر که 5 درصد را تشکیل می دهند، دارای درجه تحصیل ماستری بوده و 1 تن دیگر که 0.3 درصد است، دکتور می باشد. ارقام ارائه شده بیانگر اینست که بیشترین پرسشنامه ها توسط فارغان دوازده و افرادی که دارای درجه تحصیل لیسانس بوده تکمیل گردیده است، که جمع هر دو 79.1 درصد می گردد.

جدول شماره (8): جدول فراوانی و فیصدی بر اساس درآمد ماهوار به افغانی

فیصدی تراکمی	فیصدی معتبر	فیصدی	مقدار فراوانی	معتبر	مع
57.4	57.4	28.5	109	از 5 تا 10 هزار افغانی	
76.3	18.9	9.4	36	از 11 تا 15 هزار افغانی	
88.4	12.1	6.0	23	از 16 تا 25 هزار افغانی	
94.7	6.3	3.1	12	از 26 تا 40 هزار افغانی	
100.0	5.3	2.6	10	بالاتر از 40 هزار افغانی	
	100.0	49.6	190	مجموع	
		50.4	193	بدون پاسخ	
		100.0	383	جمع کل	

جدول شماره (8) بیانگر میزان درآمد پاسخ دهندگان در این تحقیق می باشند. 109 نفر که 28.5 درصد است، درآمد دارای 5 الی 10 هزار افغانی بوده اند. 36 نفر دیگر که 9.4 درصد است، دارای درآمد 11 الی 15 هزار استند. 23 تن دیگر که 6 درصد است،

دارای درآمد 16 الی 25 هزار می باشند. 12 تن دیگر که 3.1 درصد است، دارای درآمد 26 الی 40 هزار می باشند. 10 تن دیگر که 2.6 درصد است، دارای درآمد بالاتر از 40 هزار می باشند. بیشترین تعداد که 193 تن استند، که 50.4 درصد استند، افرادی بوده اند که از ارائه درآمد خود، خود داری نموده اند، شاید بخاطر اینکه بیشتر پاسخ دهندگان را فارغان دوازده و بعد کسانی که تازه دوره تحصیل را تمام نموده اند، در این جمع باشند که تا هنوز فاقد شغل استند و به تبع آن از درآمد نیز برخوردار نمی باشند. از ارقام بالا تا حدودی پاسخ این مسأله نیز روشن می گردد، بیشتر کسانی که دست به مهاجرت می زنند از میان همین جوانان تازه فارغ از مکتب و پوهنتون می باشند. چون به دلیل بی سرنوشتی در داخل کشور، ترجیح می دهند تا از هفت خوان رستم بگذرند تا در دیار بیگانه صاحب شغل و کاری گردند.

محاسبه میانگین و انحراف معیار

جدول (۹) محاسبه میانگین و انحراف معیار عوامل مؤثر بر فرار مغزها

انحراف معیار	میانگین	تعداد	
.964	4.18	379	نبود فرصت های اقتصادی و سرمایه گذاری
.951	4.22	377	بیکاری و نبود فرصت های کاری
.970	3.89	379	سطح پایین حقوق و دستمزد نخبگان
1.031	3.77	377	نبود فرصت های توسعه شخصی
.985	4.03	374	بی ثباتی اقتصادی در کشور
1.119	3.87	377	نبود ثبات سیاسی در کشور
1.011	4.17	380	تحولات سیاسی در کشور
1.149	3.84	375	سلب آزادی های مدنی و سیاسی
1.138	3.82	375	تبعیض سیاسی
1.163	3.59	376	میل به آزادی های بیشتر سیاسی و مدنی
1.138	3.58	374	تعقیب سیاسی نخبگان
1.231	3.51	377	تهدیدات فیزیکی نخبگان
1.258	3.09	372	نبود امکانات صحتی و بهداشتی
1.108	3.65	373	کاهش رفاه اجتماعی نخبگان
1.271	3.61	370	تبعیض جنسیتی
1.161	3.75	374	محدودیت های اجتماعی
1.220	3.09	373	وجود شبکه های اجتماعی میان اقارب نخبگان

تحلیل میانگین‌ها

میانگین‌ها نشان‌دهنده اهمیت نسبی هر عامل از دیدگاه پاسخ‌دهندگان است. به‌طور کلی، عوامل مرتبط با بیکاری و نبود فرصت‌های کاری، نبود فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری و تحولات سیاسی در کشور (با میانگین 4.22، 4.18 و 4.17) بیشترین تأثیر را در فرار مغزها دارند. این به این معناست که اکثر افراد شرکت‌کننده در تحقیق بر این باورند که نبود فرصت‌های شغلی، اقتصادی و تحولات سیاسی در کشور اصلی‌ترین دلایل مهاجرت نخبگان است. از سوی دیگر، عواملی چون وجود شبکه‌های اجتماعی میان اقارب نخبگان (با میانگین 3.09) و نبود امکانات صحتی و بهداشتی (با میانگین 3.09) کمترین تأثیر را دارند. این نشان‌دهنده این است که این مسائل برای نخبگان به اندازه عوامل اقتصادی و سیاسی اهمیت ندارند.

تحلیل انحراف معیار

انحراف معیار نشان‌دهنده میزان پراکندگی یا تنوع پاسخ‌ها در هر عامل است. هرچه انحراف معیار بیشتر باشد، یعنی نظرات پاسخ‌دهندگان در مورد آن عامل بیشتر متفاوت است. انحراف معیار بالا، به‌طور مثال، تبعیض جنسیتی (1.271)، نبود امکانات صحتی و بهداشتی (1.258)، و وجود شبکه‌های اجتماعی میان اقارب نخبگان (1.220) دارای انحراف معیارهای بالا هستند. این نشان‌دهنده این است که پاسخ‌دهندگان در ارزیابی این عوامل نظرات متفاوتی دارند و این مسائل برای برخی افراد ممکن است بسیار مهم و برای دیگران کمتر مهم باشد. انحراف معیار پایین: به‌طور مثال، نبود فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری (۰٫۹۶۴) و بیکاری و نبود فرصت‌های کاری (۰٫۹۵۱) انحراف معیارهای پایین‌تری دارند. این نشان‌دهنده توافق بیشتر میان پاسخ‌دهندگان در مورد اهمیت این عوامل است و نشان می‌دهد که اکثر افراد در ارزیابی این عوامل اتفاق نظر دارند.

رتبه‌بندی متغیرها

جدول شماره (۱۰): رتبه‌ها

عوامل مؤثر بر فرار مغزها با تأکید بر عوامل دافعه از مبدأ نظریه (اورت لی)

بیکاری و نبود فرصت‌های کاری سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.	11.39
تحولات سیاسی در کشور سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.	11.09
نبود فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.	10.93
بی‌ثباتی اقتصادی در کشور سبب فرار نخبگان گردیده است.	10.30
نبود ثبات سیاسی در کشور سبب فرار نخبگان گردیده است.	9.58
تبعیض سیاسی سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.	9.56
سطح پایین حقوق و دستمزد نخبگان سبب فرار نخبگان گردیده است.	9.52
سلب آزادی‌های مدنی و سیاسی سبب فرار مغزها از کشور گردیده است.	9.44
محدودیت‌های اجتماعی سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.	9.20
نبود فرصت‌های توسعه شخصی سبب فرار نخبگان گردیده است.	9.11
کاهش رفاه اجتماعی نخبگان سبب فرار شان از کشور گردیده است.	8.38
تبعیض جنسیتی سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.	8.31
تعقیب سیاسی نخبگان سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.	8.19

میل به آزادی های بیشتر سیاسی و مدنی سبب فرار نخبگان شده است.	8.18
تهدیدات فزینی نخبگان سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.	7.93
وجود شبکه های اجتماعی میان اقارب نخبگان سبب فرار نخبگان گردیده است.	5.97
نبود امکانات صحتی و بهداشتی سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.	5.92

N	383
Chi-Square	606.546
Df	16
Asymp. Sig.	.000

Test Statistics^a

a. Friedman Test

جدول فوق وضعیت رتبه بندی متغیرهای (عوامل مؤثر بر فرار مغزها با تأکید بر عوامل دافعه از مبدأ نظریه (اورت لی²⁴) را بر اساس آزمون فریدمن نشان می دهد.

رتبه بندی بر اساس میانگین ها

عوامل با بیشترین²⁵ رتبه

عوامل مختلف بر اساس میانگین های آنها رتبه بندی شده اند. به طور کلی، این جدول نشان می دهد که بیکاری و نبود فرصت های کاری (11.39)، تحولات سیاسی (11.09)، نبود فرصت های اقتصادی و سرمایه گذاری (10.93) و مشکلات اقتصادی (10.30) به عنوان اصلی ترین عوامل مؤثر در فرار مغزها از کشور شناخته شده اند. این چهار عامل با بیشترین میانگین، نشان دهنده اهمیت بالای مسائل اقتصادی و سیاسی برای نخبگان در تصمیم به ترک کشور هستند. و بدین خاطر در میان عوامل کلیدی قرار دارند و در رده های بالا قرار گرفته اند. این نشان دهنده این است که شرایط اقتصادی و سیاسی کشور نقش مهمی در مهاجرت نخبگان ایفا می کنند. مشکلات سیاسی (9.58)، تبعیض (9.56)، سطح پایین حقوق و دستمزد (9.52)، سلب آزادی های مدنی (9.44)، محدودیت های اجتماعی (9.20) و نبود فرصت های توسعه شخصی با میانگین (9.11) نیز به عنوان عواملی که نخبگان را از کشور فراری می دهند، رتبه های بعدی را به خود اختصاص داده اند، اما تأثیر آنها نسبت به عوامل اولی کمتر است.

عوامل با کمترین رتبه

عواملی مانند کاهش رفاه اجتماعی نخبگان با میانگین (8.383)، تبعیض (8.31)، میل به آزادی های بیشتر سیاسی (8.18)، تهدیدات فزینی نخبگان (7.93)، و نبود امکانات صحتی و بهداشتی با میانگین (5.92) کمترین تأثیر را در تصمیم به مهاجرت

²⁴ Everett Lee

به ترتیب به مقادیری اشاره دارند که بیشترین و کمترین رتبه را "کمترین" و "بیشترین" استفاده می شود، SPSS که در نرم افزار (Friedman Test) در تحلیل رتبه بندی فریدمن²⁵ در داده ها به خود اختصاص می دهند.

نخبگان دارند. این عوامل در پایین‌ترین رتبه‌ها قرار گرفته‌اند و نشان‌دهنده این است که عوامل اجتماعی-سیاسی به اندازه عوامل اقتصادی و سیاسی برای نخبگان مهم نیستند.

نتیجه‌گیری

فرار مغزها یکی از معضلات جدی و تهدیدی برای آینده و معادله توسعه کشور است. بی‌ثباتی دوامدار و مسلسل در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشور، سبب شده تا با هر تحول سیاسی بیشترین افراد تحصیل کرده که در بیشتر حالات با پول و سرمایه ملت فقیر مثل ما تحصیل نموده است، دست به مهاجرت بزنند. متأسفانه تا نوشتن این سطرها این فاجعه و سونامی اجتماعی-اقتصادی ادامه دارد و هر روز هزاران مغز از این وطن در حال فرار هستند. واقعاً کشورهای توسعه یافته از این روند بیشترین نفع را برده و ضرر هنگفت آن نصیب کشورهای می‌شود که این سرمایه‌های ارزشمند خویش را بنام مغزهای کار آمد بطور مجانی در اختیار کشورهای توسعه یافته قرار می‌دهند. در اصل این یک سببیدی است که دولت‌های فقیر به دولت‌های ثروتمند و پیشرفته می‌پردازند. یافته‌های این تحقیق حاضر که به ارتباط عوامل مؤثر بر فرار مغزها با تأکید بر عوامل دافعه از مبدأ نظریه (اورت لی) در ولایت کندز انجام شده است، بیانگر اینست، که عوامل اقتصادی مانند: بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی، نبود فرصت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری و مشکلات اقتصادی بیشترین تأثیر را بر فرار مغزها داشته است، و این عوامل سبب شده تا بیشتر جوانان و تحصیل یافته‌گان از کندز جهت یافتن کار و فرصت‌های اقتصادی به کشورهای بیگانه رفته تا زمینه کار و درآمد با ثبات را برای خانواده‌های خویش تضمین نمایند. عامل دیگر که به شدت عوامل قبلی بیشترین تأثیر را داشته است، تحولات سیاسی بوده است، البته عوامل دیگر سیاسی به این حد تأثیر گذار نبوده‌اند. عوامل بعدی که تأثیرات بیشتر بر فرار مغزها داشته‌اند، عوامل سیاسی-اجتماعی می‌باشند که در راس آنها، مشکلات سیاسی، تبعیض، سطح پایین حقوق و دستمزد، محدودیت‌های اجتماعی، نبود فرصت‌های توسعه شخصی، به ترتیب عوامل بوده‌اند، که در درجه دوم سبب فرار نخبگان و سرمایه‌های انسانی شده‌اند. این بدین معناست که عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در تصمیم نخبگان به ترک کشور مهم و مؤثر بوده است. عوامل دیگر که با کمترین تأثیر بر فرار مغزها شناخته شده‌اند، عواملی مانند کاهش رفاه اجتماعی، تعقیب سیاسی نخبگان، میل به آزادی‌های بیشتر، تهدیدات فزاینده، وجود شبکه‌های اجتماعی میان اقارب نخبگان و نبود امکانات صحتی و بهداشتی بوده‌اند، که سبب راندن سرمایه انسانی از کشور گردیده است. این عوامل در پایین‌ترین رتبه‌ها قرار گرفته‌اند و نشان‌دهنده این است که عوامل اجتماعی-سیاسی به اندازه عوامل اقتصادی و سیاسی برای نخبگان مهم نیستند.

پیشنهادهات

با در نظر داشت نتایج و یافته‌های این تحقیق، چند پیشنهادی به مراجع مربوطه امارت اسلامی افغانستان، ارائه گردد. اولاً: سرمایه انسانی نیروی کاری است که در آن دانش، تجربه و مهارت تراکم کرده است و نباید به هیچ دلیلی از کشوری مثل افغانستان که بطور جدی به همچو ظرفیت‌ها برای آبادانی و توسعه نیاز دارد خارج شوند. اگر رفتن هم است باید در قالب بورسیه‌ها و سفرهای علمی باشد، تا هر چه بیشتر سبب بارور شدن ظرفیت‌های علمی کادرهای علمی و تخصصی مان گردیده و در بازگشت دوباره سبب تسریع روند توسعه در این کشور گردند.

ثانیاً: مهیا نمودن شغل و فرصت اقتصادی برای شهروندان یکی از اوجب واجبات امارت اسلامی است تا برای جوانان و نخبگان، در کشوری که در ابعاد مختلف نیاز به توسعه دارد زمینه کار در سکتور عامه و خصوصی را فراهم نماید. جای تأسف است، که با داشتن همه امکانات و پتانسیل‌های موجود در جغرافیای این کشور نتوانیم برای تحصیل کرده‌ها زمینه کار و شغل

فراهم نمایم، کافی است تا محور استخدام‌ها در همه سطوح شایسته‌سالاری بوده و افراد متعهد و متخصص بتوانند به مشاغل تخصصی دست یابند

ثالثاً حفظ ثبات سیاسی و استقرار نظام، یکی از ضرورت‌های حتمی و جدی در این کشور است تا روند اعتماد به امارت اسلامی را تقویت و جلو مهاجرت نخبگان را بگیرد. ایجاد فضایی که همه دیدگاه‌ها و نظرات به‌طور برابر در نظر گرفته شود، می‌تواند زمینه را برای رشد و شکوفایی استعدادها و مانع برای فرار نخبگان باشد.

رابعاً حقوق و دستمزد آبرومند و مناسب حق هر شهروند در این جغرافیاست، باید در این شرایط زمینه پرداخت آبرومند حداقل حقوق کادر متخصص را در همه زمینه‌ها بموقع فراهم نموده تا نخبگان با اطمینان در داخل کشور بمانند.

آخرین پیشنهاد بر اساس یافته‌های این تحقیق آنست که مسئولین محترم امارت اسلامی، در پروسه استخدام در تمام سطوح، اصل شایسته‌سالاری را محترم دانسته، اهلیت و تخصص افراد را از هر چیزی بیشتر اعتبار بدهند.

تشکر و قدردانی

با تقدیر و تشکر از اعضای محترم کمیته تحقیق پوهنتون سلام شعبه کاندز که با دیدگاه‌ها و نظریات مفیدشان در طراحی پرسشنامه‌ی این تحقیق کمک شایانی کردند. تشکر فراوان و ویژه از محترم پوهندوی استاد گل آقا انوری معاون تحقیقات پوهنتون پروان، محترم پوهندوی استاد حفیظ الله ایوبی رئیس پوهنهی اقتصاد پوهنتون کاندز و استاد محمد نبی رفیع عضو کادر علمی پوهنتون سلام شعبه کاندز و نویسنده همکار در این مقاله، که با دیدگاه‌ها و رهنمودهای سازنده‌شان در اصلاح پرسشنامه با بنده همکاری جدی نمودند. همچنان سپاس بی‌پایان از تمامی استادان و همکاران پوهنتون سلام شعبه کاندز که در توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها سعی و همکاری لازم نمودند.

منابع

1. رضائی، ن. ع.، میرسپاسی، ن.، البرزی، م.، و نوانبخش، م. (1387). بررسی عوامل مؤثر بر ماندگاری نخبگان (نخبه‌داری) و کاهش فرار مغزها از کشور با کاربرد روش کیفی داده‌بنیاد. فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی، (18)*4، 69-51.
2. رؤفی، م. (1401). نگاهی به بحران فرار مغزها از افغانستان و پیامدهای آن. تحلیل هفته مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی افغانستان، (389).
3. ضیایی، م. ح. (1396). فرار مغزها از افغانستان.
4. عبدی، ع. (1389). چهار پژوهش در جامعه‌شناسی فرهنگ (چاپ اول). انتشارات ثالث.
5. کیهانی، ع. (2020). پیامدهای فرار مغزها از افغانستان بعد از 2020 (گزارش پژوهشی شماره X). موسسه دموکراسی و توسعه افغانستان و آزادی.
6. شاه‌آبادی، ک.، کشته، م.، و محمودی، ع. (1385). عوامل مؤثر بر فرار مغزها از ایران به اروپا طی دوره ۱۳۵۹-۱۳۸۲. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، (39)، 81-39.

7. شیرخانی، ب.، و رحیم، ر. (1397). مهاجرت، خروج سرمایه‌ی انسانی و توسعه: مقایسه‌ی ایران و ترکیه. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، (2)*1، 56-صفحات پایانی.
8. محسنی، م.، منصوریان، ا.، و مینایی، ع. (1390). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش برون‌کوچی (مهاجرت) با تأکید بر نظریه اورت لی و موریسون: مطالعه موردی شهرستان آبادان. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، (12)*5.
9. معینی، ه.، و مختاری، م. (1394). شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر مهاجرت نیروی کار به کانادا طی سال‌های ۸۶ تا ۹۱. فصلنامه علمی-تحقیقی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، (2)*9، 29.
10. مفتخری، ج.، جعفری، ا.، ابونوری، ف.، و نادمی، ن. (1400). بررسی اثرات رفاه اجتماعی بر فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه. فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، (2)*8، 34-1.
11. مفتخری، ج. و همکاران. (1400). تأثیر متغیرهای نهادی بر فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه (مطالعه موردی کشورهای منطقه منا. [MENA]) فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، (83)*21، 348-307.
12. ناغانی، ا.، سه‌تلانی، ن.، و بیات، ب. (1399). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل چندزمینه‌ای مؤثر بر روند فرار مغزها (تحلیل و پیش‌نگری موج چهارم این پدیده در ایران: از ۱۳۹۰ تا افق ۱۴۰۴). فصلنامه مجلس و راهبرد، (104)*27.
13. نیازی، ع.، پناهی، ف.، و بایزیدی، س. (1401). مدل‌سازی ساختاری تفسیری عوامل مؤثر بر مهاجرت منابع انسانی از ایران. مجله مدیریت فرهنگی، (55).
14. Adeyemi, R. A., Joel, A., Ebenezer, J. T., & Attah, E. Y. (2018). The effect of brain drains on the economic development of developing countries: Evidence from selected African countries. *Journal of Health and Social Issues (JOHESI)*, 2(7).
15. Bilal Zai, A. R. (2022). Identifying the driving factors contributing to Afghanistan's brain drain: A phenomenological study of Afghans residing abroad. *Governance and Management Review*, 7(1), January-June 2022.
16. Dashti, Z. (2022). Afghan external migration movements in the historical process. *Asian Studies, Academic Social Studies*, 6(20), 301-314.
17. Pirzada, A. F., & Chaban, Z. (2025). Afghan and Arab refugee international medical graduate brain waste: A scoping review. *MDPI*.



وزارت تحصیلات عالی افغانستان
پوهنتون خصوصی سلام شعبه کاندز
مرکز تحقیقات علمی



مخاطب ارجمند!

از شما ممنونیم که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید. این پرسشنامه به دنبال یافتن «عوامل مؤثر بر فرار مغزها با تأکید بر عوامل دافعه از مبدأ (نظریه اورت لی) در شهر کاندز» از طریق سهم گیری شماست. پس از شما خواهشمندیم به پرسش های مطرح شده با دقت پاسخ دهید و گزینه ای را که می پندارید درست است، از (1-5) شماره گذاری کنید. باید تأکید کرد که پاسخ صادقانه شما، بر صحت این تحقیق کمک خواهد کرد. پیشاپیش از همکاری صمیمانه شما سپاسگزاریم.

مشخصات شخصی پاسخ دهنده

جنسیت: ☐ مرد ☐ زن

حالت مدنی: ☐ متاهل ☐ مجرد

شغل: ☐ معلم ☐ استاد پوهنتون ☐ کارمند ☐ شغل آزاد ☐ بیکار

سن: ☐ 25-20 ☐ 30-26 ☐ 40-31 ☐ 50-41 ☐ بالاتر از 50

درجه تحصیل: ☐ متوسطه ☐ فارغ دوازده ☐ فارغ چهارده ☐ لیسانس ☐ ماستر ☐ دوکتورا

درآمد ماهوار: ☐ 10-5 هزار افغانی ☐ 11-15 هزار افغانی ☐ 16-25 هزار افغانی ☐ 26-40 هزار افغانی ☐ بالاتر از 40 هزار افغانی

ردیف	گزاره ها	کاملاً مخالفم	مخالقم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم
1	2	3	4	5	6	7
1	فرار مغزها نسبت به گذشته در میان نخبگان و متخصصین افزایش یافته است.					
2	نبود فرصت های اقتصادی و سرمایه گذاری سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.					
3	بیکاری و نبود فرصت های کاری سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.					
4	سطح پایین حقوق و دستمزد نخبگان سبب فرار نخبگان گردیده است.					
5	نبود فرصت های توسعه شخصی سبب فرار نخبگان گردیده است.					
6	بی ثباتی اقتصادی در کشور سبب فرار نخبگان گردیده است.					
7	نبود ثبات سیاسی در کشور سبب فرار نخبگان گردیده است.					
8	تحولات سیاسی در کشور سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.					
9	سلب آزادی های مدنی و سیاسی سبب فرار مغزها از کشور گردیده است.					
10	تبعیض سیاسی سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.					
11	میل به آزادی های بیشتر سیاسی و مدنی سبب فرار نخبگان شده است.					
12	تعقیب سیاسی نخبگان سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.					
13	تهدیدات فزینگی نخبگان سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.					
14	نبود امکانات صحتی و بهداشتی سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.					
15	کاهش رفاه اجتماعی نخبگان سبب فرار شان از کشور گردیده است.					
16	تبعیض جنسیتی سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.					
17	محدودیت های اجتماعی سبب فرار نخبگان از کشور گردیده است.					
18	وجود شبکه های اجتماعی میان اقارب نخبگان سبب فرار نخبگان گردیده است.					